

متن پرسش

سلام استاد: خدا قوت. متنی که در ادامه می‌آورم یکی از دلنوشته‌های بنده در سال گذشته است. امیدوارم شما مرحمت کنید و به یکی از سوالهای مستمر ذهن بنده پاسخ بدهید. خداوند اجرتان را زیاد کند. راستی چرا اولین چیزی که یاد می‌گیریم تو مدرسه اینه که به نام خداوند بخشنده مهربان. اما تصویری که از خدا داریم بخشنده و مهربان نیست. چرا خدای من عبوس و خشمگین و سختگیره؟ دین که حتما راست می‌گه. پس چرا حرفهای روانشناسی اینقدر دلنشین تره؟ و سوال خیلی مهمی که شاید چند ساله تو ذهنمه: ارتباط روانشناسی با دین چیه؟ خب داشتم خدا رو تعیین تکلیف می‌کردم. بارها به این نکته توجه کرده بودم که خوندن قرآن برام لذت بخش نیست. اما دعاها به نظرم دلنشین تر میاد. حالا بگذریم که هیچکدوم رو هم نمیخونم. به خصوص دعای کمیل در بین دعاهایی که من می‌شناسم. امروز به این فکر کردم که دلیل این تفاوت حسی بین قرآن و مفاتیح مدل خداییه که ازش برداشت می‌کنم. خدای تو قرآن خیلی جدی و قاطع و شایدم عصبانی داره داد و بیداد میکنه. اما خدای توی دعاها آروم نشسته تا باهاش درد دل کنی. در وقت ناراحتی آدم حسابی و آدمایی که روح پاکی دارن چیکار میکنن؟ من فکر می‌کنم آدم حسابی‌ها لابد با خدا درد دل میکنن اما من خب راحت نیستم باهاش چرا؟ چرا وقتی ناراحتم با خدا درد دل نمی‌کنم؟ ۱. به خاطر اینکه اون ته تهای مغزم فکر می‌کنم لابد حق با من نیست و خدا هم که کلا همیشه چه حق با تو باشه چه نباشه یه جواب تو آستین داره واست. اگر حق با تو نباشه که هیچی یکی یکی اشتباهات و ایرادای خودت رو میکنه تو چشت بعدم میگه دندت نرم می‌خواستی ادم باشی. مگه نگفته بودم بهت. اگر حق با تو باشه که بازم داره: گذشت، کظم غیظ، بزرگ منشی، حق پدر و مادر و.... بعدم که یه سری گیر ریشه‌ای داره به زندگیهای ماها بده که اصلا مگه من به تو نگفتم چجوری زندگی کن اگر ال می‌کردی بل نمیشد و اگر چنین چنان؟ ۲. واسه خدا همیشه مظلوم نمایی و اینها کرد یا مثلا یکمشو تعریف کنی یکم تعریف نکنی حق به جانب تعریف کنی؛ کلا جلو قاضی و معلق بازی؟ ۳. خدا فقط میشنوه جواب نمیده که. آدم بالاخره یکی رو لازم داره دل به دلش بده و دلجویی کنه ازش و اینها. وقتی هم عصبانی ام احساس می‌کنم خدا هم عصبانیه و همیشه پرش رفت. اصلا معنی غضب خدا چیه؟ خدا که از حالتی به حالتی نمیره که مثلا خوشحال بشه بعد عصبانی بشه. التماس دعای زیاد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی‌دانم شما چطور قرآن می‌خوانید که با چنین خدایی روبه‌رو می‌شوید!!

خدایی که خودش در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/۱۰) حقیقت آن است که ما به سوی شما کتابی را نازل کردیم که در آن به یاد شما بودیم، آیا در این مورد فکر کرده‌اید؟ خداوند خواسته است ابعاد متعالی انسان به فراموشی سپرده نشود در حالی که حتماً می‌دانید خداوند عذابی از خود ندارد مگر آن که متذکر می‌شود نتیجه‌ی اعمال ما چنین و چنان است. «وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ» (زمر/۲۴) به ظالمین یعنی آن‌هایی که به خود ظلم کرده‌اند گفته می‌شود آنچه را که خودتان به دست آورده‌اید، بچشید. آیا خدایی مهربان‌تر از چنین خدایی می‌توان تصور کرد؟! به گفته‌ی مولوی:

تو مگو ما را به آن شه راه نیست / با کریمان کارها دشوار نیست.

موفق باشید